

ما تحت محاصره هستیم !



پیوسته گذشته، فصل دوم بخش یازدهم:

شاید هیچ جمله ای نسبت به اوضاع تاروتاریک افغانستان که جلالتمآب محمد اشرف خان غنی داروغه ارگ در یک گفتگو صریح و روشن وی با یک شبکه تلویزیونی امریکائی موسوم به CBS انجام داده است وضعیت افغانستان را بصورت شفاف ترسیم کرده باشد . آنگاه که وی با غصه های همیشه گی

<http://www.dailymotion.com/video/x6deuq0>

اش در برابر پرسش خانم لارا لوگن Lara Logan ژورنالیست برنامه ۶۰ دقیقه تلویزیون CBS می گویند که ما در برابر بیست و یک گروه تروریستی که در مقابل ما می جنگند مواجه ایم و این گروه ها در کشور ما عملیات انجام میدهند و هزاران بمب انتحاری را به افغانستان می فرستند و ما تحت محاصره هستیم !!



آنگاه که خانم لارا لوگن Lara Logan سخنان پارادوکسیال داروغه ارگ را شنید شاید با لبخند پنهان در زیر لب گفته باشد که برای شنیدن هذیان های این مرد لاغر اندام و خود خواه بی هیچ ، کافی است حرفهایش را بصورت زیرکانه تردید کنی دیگر نیاز به هیچگونه شنود و تلاش نیست بلادرنگ خشمگین و عصبانی میشود و همه چیز را بصورت آشکار و صریح بیان میکند . خانم لارا لوگن گفتگوها پیش با محمد اشرف خان غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان را با همین روال آغاز کرد . نخستین پرسش اش در باره وضع تار و تاریک کابل بود که در سه سال حکومت وحدت ملی روبه وخامت نهاده است و هیچگونه بهبودی در آن به مشاهده نه میرسد . هر روز سربازان تان به شکل سرسام آوری توسط مخالفان شما به قتل میرسد تا چه زمانی این وضعیت ادامه پیدا خواهد کرد؟ آقای محمد اشرف خان رئیس حکومت وحدت ملی در پاسخ به این پرسش خانم لارا لوگن گفت :

<http://www.dailymotion.com/video/x6dhaqv>

چنانچه مشاهده می کنید حضرت اشرف خان غنی در پاسخ گفت : تا آنگاه که امنیت برقرار کنیم . خانم لارا لوگن اضافه نمود تا چه زمانی امنیت برقرار خواهد شد ؟ حضرت که نتوانیست موازنه وجود

مبارک اش را نگهدارد با قهر و غصه بینظیری یاد آوری نمود ، تا هر هر اندازه ای که لازم باشد و حتی تا نسل در نسل نیز اگر ضرورت افتد خواهیم جنگید ،



جالب ترین و در عین حال مبحث پرا دُکسیال این گفتگو آنگاه بر ملا میگردد که حضرت اشرف خان می خواهد در ژست یک رهبر ملی و یک آسوه معنوی برای بشریت ظهور کند و مانند سلف اش حامد خان کرزی شعار های مفتکی سر دهد تا مردم فقیر و تحقیر شده ای که در جغرافیای بنام افغانستان بخاطر یک لقمه نان تن به هر ذلتی می دهند وی را گاندهی ای شرق بنامند . اما می گویند که دروغ گو حافظه ندارد بلادرنگ در جواب این پرسش خانم لارا لوگن خبرنگار برنامه شصت دقیقه تلویزیون CBS که مردم چنین می پندارند ، اگر کمک های خارجی و امریکا نباشد حکومت در ظرف سه روز سقوط خواهد کرد ! حضرت داروغه که نه میتوانیست انکار کند گفت ، از نظر منابع مالی کاملاً درست است ما هم باورداریم که حتی تا شش ماه بدون کمک های امریکا نه میتوانیم تاب بیاوریم . !! خانم لارا لوگن پرسید که شما میفرمائید که بدون کمک های امریکا حتی شش ماه دوام نه میتوانید آیا این راست است ؟ بلی بخاطریکه پول نداریم . براستی هم وقتی برای ملتی نقشه راه شان را دیگران با معیار های بیرون از جغرافیای افغانستان تسوید و تدوین سازند طبیعی است که تا چند روز نیز نه میتوانند در برابر مخالفان ارزان قیمت مسلح که آنها نیز بدون داشتن نسخه معنوی برای حل مسائل حاد جامعه روی دیگری از همین سبکه شناخته میشوند و با مافیای حاکم به جز مخالفت برسر تقسیم مادی قدرت هیچگونه اختلافی ندارند ، و همچنان روشنفکران و داعیه داران داعیه مردم که در برابر هرگونه زرق و برق دنیا و اکسینه شده اند تاب مقاومت آورند .



وقتی داروغه ارگ در ژست یک رهبر واقعی مردم جلوه میکند :

دانشمندی گفته است که وقتی کسی شما را بخاطر خشمناک شدن تان تنبیه نه میکند بدان که همین خشم و غرور است که شما را مجازات میکند . این حضرت اشرف خان غنی از آنعده رجالی است که هیچگاه خم به آبرو نه می آورد و وقتی سستیژی ، تربیونی یا میز خطابه ای را ببیند هر آنچه دل تنگ اش بخواهد

بر زبان مبارک اش جاری میسازد ،همین دوسه روز پیش بود که به گمان اغلب در یک محفل نسبتاً بزرگی از جوانان و زنانی را که غالباً بنام جامعه مدنی از دسترخوان امنیت ملی ارتزاق می شوند خطبه می خواند از ریاست جمهوری و سرقوماندانی اعلی قوای مسلح یاد کرد، درحالیکه در محفل ده ها جوان زن و مرد حضور داشتند یک مرتبه به وجد آمد و گفت که : پیش از این که مه رئیس جمهور شوم سر مؤقیعت ما کسی گپ میزد که مؤقیعت ما طلا است ؟ منتظر بودید که کدام روز طورخم بسته میشود و کدام روز سپین بولدک بسته میشود ... ناگهان به وجد آمد و توام با یک چیغ محکم گفت : « سل کاله یی و تری افغانستان به آباد وی» اما این سخنان وقتی شکل یک کمیدی یافت که حضرت رئیس جمهور دومین متفکر جهان جهت به شور آوردن حضار جلسه شعری از شاعر نامدار زبان پشتو خوشحال خان ختک را قرئت نمود و اشتباه خواندن شعر مذکور محفل سیاسی و امنیتی را به یک جلسه خنده آورو کمیک مبدل ساخت . زیرا وی در همین جلسه پس از آنکه به برکات و فضائل ریاست اش اشاره نمود به آواز بلند گفت که : خوشحال بابا ویل چی لا په حال نه ده چا چی وهلی ما سره سر په سنگ ده! در حالیکه اصل شعر چنین است : لا تراوسه یی ماغزه په قرار نه دي چا چی زما سره وهلی سر په سنگ دی !

